

درست عرض کنم مجموعه شعرها "البرزیا مسکوت" ^{بسیار} سید مکتب است
 تاکنون در عرض بندی و سیاه بندی تأخیر کرده ام این است که ادلای هر دو نام
 کتاب را بدقت بخونم و درباره آن اظهار نظر کنم یعنی اینکه فقط و فقط
 تا این ضمیمه هر دو کتاب را مقصد از عهد در انگلیسی را فارسی در یک مهدهم
 که کمی نه آنرا در زبان فارسی طرز فکری و بسیار قوی است و برای درسی است
 ما هر دو هر دو ماست و مخالفه کنیم و اما کتاب ^{شما} در دست از اول تا با هم
 با کمال محبت و دقت هر دو نام و نیز بسیاری از اصابت آن را حفظ کنیم و در
 از سرور در ضمیمه کتاب نوشته "آفرین و بسیار خوب" آنروز که
 در خانه آهنگ بر روی هر دو نام سلمان بود ^{بسیار} دوستداران و سخن از بدت تا
 و شوق است و بخیل حضورتان عرضی گرام که اگر لطف ^{بسیار} شعرهای شما
 بخوبی این دو شعرها ^{بسیار} بسیار بروین اعتدالی ^{بسیار} عزیزترین شعر "دن"
 ایران ^{بسیار} عالی است حال که با دقت کامل ^{بسیار} شعرهای این کتاب ^{بسیار} بسیار محترم با کمال
 هر دو ^{بسیار} عرضی می کنم که ^{بسیار} شما نه تنها از شعر بروین اعتدالی ^{بسیار}
 بلکه از تمام ^{بسیار} شعرهایی که در ایران ^{بسیار} شعر ^{بسیار} بسیار ^{بسیار}
 شعر ^{بسیار} ^{بسیار} و تمام ^{بسیار} مال ^{بسیار} ^{بسیار} این ^{بسیار} ^{بسیار} ^{بسیار}

ممکن است در آن نظر دیگری داشته باشد و وضع آنکه من با شعر نو بسیار کم آشنا هستم
 درام در شعر نیاید و احزان مالک و توللی و مازنی بود با شعر نو بود
 دیگر هیچ آشنائی ندارم شاید برای سالها می آید که فکر کنم موزون
 سراسر همه در برده است شوی شعر را که احسانا از سواد آوری آید
 بر آورده باشد که فرخنده ششم بهر حال زوال عزیزم با کتاب مقرون
 با بزرگ شاه نور بخشیست مافراد به سوی بلندی آسمان سپردار در ادم و از روی
 لذت فریبای کبیر بگیر با عده های هزاران برادرش از شمع تا آتش و غیره
 به چشم آبی کاروان در غره اش از صحنه عشق قلل و کوه برده بود
 در آبدان صانع با حل کاروان ما ادم در ده ها المیز عهد برادر شکل دوران
 در آتش گرم بیس به گشتی کبیر مرا عانی نشستم در بار موجها شستم و در کینه آوری
 به با ما با زبان مرا امر انشم تا از سر آبی که طعم آب و هوا صند است
 لذت مصفا که در کوه و صند است در آنجا با نام آه
 که ستاره ترس روی رفیق صبح با این دل بر آتش تو کافی از روی های او در آنجا
 گشت با این بر سر من بر گشت آتش و صند کم رفیق گشت در دل ششم از سواد آوری
 چند ده در بر ام هم انصاف و ما هر لغت کاشش آوری در ششمی که کرد
 نوزاد عشق و آشنائی بود

اما آنچه درباره ای کتاب بنظر من مهم است: (عناوین)

۱- از جمله پنج قطعه صوتی که برای کتاب بنظر من ۱۴ قطعات در دستهای آقایان
 و از این تعداد نیز تعدادی ساخت و این اسفند بسیار سرد این محرمی شعرها است
 زیرا از کتب صوتی که در این مضمون آن اثر بیشتر کرده است از بسیاری از آنها
 مابقی هفتاد در صد آن را در رعایت فعلی بنظر من آنرا ای کتاب است
 و فضلای را می بخشد شعر: بلورین با نبرد سوم - دید آفتاب نسیم را تا لب و طراح
 بخوری سایر قطعات نیز و همچنین است

۲- در ص ۱۱ اثر اصفهانی که یک موعظ و مانی و ترویج قطعات را هم کردند
 شاید اگر این همه کلام کاروان و مانی مردم امروز ارواهاست
 این موعظ: « به فرستی و خوشی سادگان روان با ... ای که کیم بدین کلام
 ص ۴۷ "برایم از همه کس می دلم آرام" نظیراً عطا علی ای که در "من و دلم"
 ص ۵۵ "نما عواجم دل ابرئیم را" نظیراً موعظ در کلام گنبدی از موعظ است
 در کلام ابرئیم در اصل و سابقی اگر تغییر یافته باشد به نظر من

ص ۶۰ با مردم پیرایه و روش - عرقش گادلا یاد فضیلت است
 هم چنین - پیرایه و روش - ارادته که گادلا است است شاید کی زنتزه
 اگر بجای پیرایه - [پیرایه یا گادلا یا با کلام گنبدی در موعظ] شاید گنبدی
 ص ۸۸ در آیه ششم تا هفتم - عطا علی ای که مانی و تقصیر بود که از موعظ است
 ای بر فضلای ای که آن را که برای اهل بیت خود که از موعظ است و ادب و ادب
 با کمال ادب و تواضع و مانی و مانی و مانی و مانی